

سَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ سَدِّدِ السُّنَّتِنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحَكْمَةِ

خوشامد عرض می‌کنم به همگی برادران و خواهران، و تشکر می‌کنم از شرکت حضار محترم در این کار دستجمعی بسیار بااهمیت. همچنین تشکر و ژهای دارم از سخنرانان و سخنگویان؛ چه آنهایی که مطالبی را عرضه کردند، چه آنهایی که اعتراضاتی را بیان کردند. از رؤس و مدیر برنامه، جناب آقای دکتر واعظزاده هم صمیمانه تشکر می‌کنم؛ هم به خاطر ادارهی خوب این جلسه، و هم به شتر به خاطر تمهید و سازماندهی اساسی که برای شکل و محتوای این جلسه، ایشان به کمک یک جمعی در طول چند ماه انجام دادند.

هدف از این جلسه و این نشستها، تبادل نظر عالمانه با جمعهای نخبگانی است دربارهی مسائل اساسی کشور. اگر گفته می‌شود اندیشه‌های راهبردی، بلکه در واقع سعی بر این است که به کمک اندیشه پرسش‌ها و منتها می‌توان تقسیم کرد، تنوع کرد؛ اندیشه در باب عدالت، اندیشه در باب زن و خانواده؛ بعد فهرست طولانی‌ای دارد که در حدود بیست و چند موضوع که هر کدام از آنها عنوان اندیشه و روش دارد؛ اندیشه‌ها به این لحاظ است و آلابنا بر این است که این جمع نخبگانی با روش فکری و معنوی و کمکی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهند کرد، انشاءالله در هر زمینه‌های به یک نظر واحد و یک اندیشه واحد برسیم.

البته در این جلسات، عرض این نیست که ما از صفر تا صد یک موضوع را بررسی کنیم - که عملی هم نیست - غرض، باز شدن راه مواجهه با مسائلی است که برای یک کشور و برای آینده مطرح است. می‌خواهیم بخصوص از جهات نظری گشایشی بشود، راهی باز شود، تا نخبگان کشور، مغزهای فعال کشور و مجربان در هر رشته‌ای بتوانند سهمی بر عهده بگیرند برای انتقاد یک فکر صحیح، که قاعده‌ی اجرا و عمل و برنامه‌ریزی خواهد شد؛ قصد این است. هم در عرصه‌ی نظری، ما نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ هم در عرصه‌ی کاربردی، نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ اینها در این جلسات شناخته می‌شود. با بحثی که صاحب‌نظران و مجربان هر رشته‌ای با تک‌همی بر معلومات و دستاوردهای علمی خود می‌کنند، ما می‌توانیم نقاط قوت خودمان را تشخیص بدهیم و نقاط ضعف خودمان را هم تشخیص بدهیم و درصدی علاج برباییم. می‌خواهیم آن نقاط رخنه‌پیدا را نقاط سست را ترمیم کنیم، اصلاح کنیم و ضعفها را برطرف کنیم.

با بداندیم در حوزه‌ی نظرپردازی، کجا جلو می‌رویم، کجا عقب می‌مانیم. یک جاهایی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقب می‌مانیم. در همه‌ی زمینه‌ی مسأله‌ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آیات کریمه‌ی قرآنی، چه آتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند، و چه آتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می‌شود، در اختیاری ماست؛ اینها را باید تصور کرده که به شکل نظرهای و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج دربر آوریم و در اختیاری همه بگذاریم؛ هم در اختیاری خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیاری مخالفین، هم در اختیاری استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌ی سی‌ساله‌ی را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شما هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می‌کنند، زیاد پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می‌خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.

قبلاً دو تا نشست داشته‌ایم: یک نشست مربوط به الگوی اسلامی - آرائی و شرف‌ت بود، یک نشست هم مربوط به عدالت بود؛ که اگرچه دو موضوع جداگانه هستند، اما در طول هم می‌آیند. کارهای خوبی انجام گرفته. من می‌دانم برادران و خواهران این را بدانند؛ چون در کاری که از حالا به بعد می‌خواهیم نسبت به موضوع آمشب داشته باشیم، تأذیر می‌گذارد. بدانید کار با جدیت پیش می‌رود. آقای دکتر واعظزاده اشاره کردند. تفصیل کارهایی که شده، بیش از آن مقداری است که حتی ایشان به عنوان گزارش گفتند؛ چون بنای بر اختصار داشتند. کارهای جدی خوبی شده. بخصوص این مرکزی که برای الگوی اسلامی - آرائی و شرف‌ت تشکیل شد، با کمک محققین مشغول کارهای بسیار خوبی است. در واقع این جلسات هر کدام بذری را در یک سرزمین مستعدی می‌پاشد. آری این سرزمین به عهده‌ی عواملی است که بعضی تا حالا تمهید شده‌اند، بعضی هم در فکر هستیم که انشاءالله تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک می‌کند تا بیابد. ما خیلی عجله هم نداریم. البته ما می‌کارها سرچشمه برود - معنی با تنبلی و عقبماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمی‌خواهیم شتابزده کار کنیم؛ می‌خواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دربار انشاءالله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسهی قبلی - این نقش را افاء خواهد کرد؛ من یک اطمینانی به این معنا دارم.

مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند،

به او اشاره می کنند! امام نه! امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، تواناها را آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاک بزرگ نورانی به روم آمد، اثر گذاشت لذا همه آمدند تویی م دان. آن روزی که روز تشکر بود، از همهی قشرها آمدند تویی که تها دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو که تها شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل م دان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود با د برو د، بساز د، درست کن د - استغناء - آمدند وارد م دان سازندگی شدند. آن راهگشاها را تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما دار م د ش م رو م، ضرب دست امام است. ا شان آنچنان ا ن گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده با د دنبالش بدو م. ا ن مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست م شود.

امام در زه نهی زن هم هم بن جور بود. امام نقش زنان را فهم د؛ وآلا بودند بزرگانی از علما که ما با ا نها بگومگو داشته م، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند ا نکنند! آنها م گفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تک ه م داد، خاطر جمع م شد، تا بتواند در مقابل ا نجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه م شد، با ستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالابد بن بر ا ن مرد بزرگ باد.

به هر حال نقش زنان، یک نقش بلند می است. پس خود ا بن نقش، اقتضاء م کند؛ چون آ نده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. ا بن نظام الهی با د صدها سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی لاش هست م. آ نده آحت ا ج دارد به ا بن حضور زنانه در مجموعهی حضور ملی. پس با ستی ما راجع به مسئلهی زن و حفظ ا بن ظرفیت که در جامعهی ما وجود دارد، تلاش کن م. ا بن دل ل اول است برای ا نکه با د به مسئلهی زن پرداز م. دل ل دوم، مسئلهی خانواده است. گو ندگان محترم امشب دربارهی خانواده بس ا ر بحثهای خوبی کردند. حقاً بحثها خوب بود. من اگر بخوایم داوری کنم، خواهیم گفت که متوسط بحثها از سطح خوب بالاتر بود؛ حرفهای درست، آمارهای خوب، استنباطهای خوب، استنتاجهای خوب، از زوا ای مختلف. یک قضیهی چندبعدی را، از هر بعدی، یک صاحب نظری، یک اند شمندی بررسی کرد. نورافکنها را انداخته د به پ کرهی ا بن موضوع حساس و مهم. انسان م تواند ا بن زوا ا را بب ند. ما واقعاً استفاده کرد م.

بنابرا بن مسئلهی خانواده، مسئلهی بس ا ر مهمی است؛ پا هی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه ا نکه اگر ا بن سلول سالم شد، سلامت به د گرها سرا بت م کند؛ ا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به د گرها سرا بت م کند؛ بلکه به ا بن معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غ ر از سلولها چ زد گری ن ست. هر جهازی، مجموعهی سلولهاست. اگر ما توانست م سلولها را سالم کن م، پس سلامت آن جهاز را دار م. مسئله ا بقدر اهمیت دارد.

جامعهی اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانوادهی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پ شرفت کند. بالخصوص در زه نهیهای فرهنگی و البته در زه نهیهای فرهنگی، بدون خانوادههای خوب، امکان پ شرفت ن ست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما م گوؤ د در غرب خانواده ن ست، پ شرفت هم هست. آنچه که امروز در و رانی بن ا د خانواده در غرب روزبهر روز ب شتر دارد نمودارها ش ظاهر م شود، ا نها اثرش را خواهد بخش د؛ ه چ عجله های بنا د داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی ا نجور ن ست که زودبازده و زوداثر باشد؛ ا نها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما ا نکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به ا بن پ شرفتها دست پ دا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئلهی جنسیت با همان رعایت های اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در آمریکا ا بن راه پ ند و مشاهده م کنند. ا بن مسئلهی رعایت های اخلاقی دو جنس نسبت به یک د گر، مسئلهی ح ا، پره ز از تهمت، ا نها چ زهائی بود که آن روز وجود داشت. ا بن پ بندوبارها و اباح گر ها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز که زه نهیهای فراهم شد و به ا نجارس د. وضع امروز هم فردای بس ا ر تلخ و سختی را برای آنها رقم م زند. ا بن هم جهت دوم.

جهت سوم هم ا بن است که در ا بن سی و دو سال، مسئلهی زن از نظر جبهی دشمنان ما، در کی از بلانش نهیهای جدول اعتراضها به ماست. از اول انقلاب روی مسئلهی زن تک ه کردند، به ما اعتراض کردند، در رد ف ترور سم و در رد ف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز ه چ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعهی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علاوه زن است، اسلام چن بن است. البته ا بن مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خب، ما در

۱. زن نه با سستی مواجهه کند، مقابله کند. افکار عمومی جهان را نه شود دستکم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خبائت ندارند؛ خبائت مال یک عده‌ی خاص است، مال کسانی است که استسازان و برنامهریزان و انبساط‌مانند اجازه بدهد که عامه‌ی مردم دچار آن اغوای بزرگ قرار بگیرند؛ لذا باید وارد شویم.

البته این را هم بگوئیم؛ غرب‌راندانه از زیر بار طرح مسئله‌ی خانواده در می‌رود. نوبت همی بحثهایی که اینها میکنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است. مسئله‌ی زن را مطرح میکنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی‌آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رسدن به این مسئله، لازم است.

خب، این جلسه هم که خیلی خوب بود. آنچه که ما در این جلسه فهمیدیم، علاوه بر استفاد‌هایی که از محتوای مطالب دوستان کردیم، مهم این بود که فهمیدیم در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای بزرگ نمانده‌اند؛ ماشاءالله داریم. اینقدر کار بزرگ نمانده‌اند که بعضی از هم‌نشینان شهادت‌هایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکّل شود، مرکز چنانی تشکّل شود - هم‌ماش درست است؛ با واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقایان و اعراض کرده‌اند و دیگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار این نشست در مورد مسئله‌ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه‌ی مسائل نظری پیردازی کارهای مهمی انشاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه‌ی گفتمان‌سازی، و هم در زمینه‌ی نزدیکی کردن این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. معنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همی آنها برطرف می‌شود. گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. با این گفتمان‌سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحان و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.

خب، ما با این در این زمینه، خلأ‌های نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه‌گذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق می‌کنیم. ما با مراجع‌هایی به مقاله‌های دوستان - که چکیده‌ی مقاله‌ها و خود مقاله‌ها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کرده‌ام - به این نتیجه رسیدیم که با سستی مجموعه‌ی نظام، سرمایه‌گذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زمینه‌ی پژوهش در این مسئله بکنند.

دوم: بررسی و نقد نظر‌هایی رائج دنیا، بدون انفعال. این مسئله‌ی بدون انفعال، خیلی مسئله‌ی مهمی است. البته من امشب از اول این سخنران که مطالبی را بیان کردند، تا آخر، این روح را دیدم؛ دیدم نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهایی که شما به غرب کردید، بیشتر در زمینه‌ی خانواده بود؛ اما عده‌ی دیگری من این است که بیشتر در جنبه‌ی غرب در مسئله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک جمله و دو جمله نمی‌شود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را هم این است؛ غربی دارد انجام می‌دهد. هم‌نشینان سستی‌های افراطی هم - که خب، لا‌هیهای متعددی دارند - من بحث لا‌شعر دارند به زن ضربه می‌زنند. حالا من بحث لا‌شعر که می‌گوئیم، نگاه خوشبختانه است - معنی اینها اینست که دست‌اندرکارند، ظاهراً نمی‌فهمند چه کار دارند می‌کنند - احتمال دارد استگزارانی، برنامهریزانی در پشت صحنه هستند که آنها نمی‌فهمند دارند چه کار می‌کنند؛ کما اینکه این احتمال در همان پروتکل‌های صحنه‌ی رسمی کاملاً پیش‌بینی شده. معنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهری برای استفاده‌ی شهوانی مرد قرار دادن، در مواد آن پروتکل‌ها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صحنه‌ی رسمی و شبک‌ی تبلیغاتی صحنه‌ی رسمی را ملاحظه می‌کند، می‌بیند عملاً هم این کار را می‌کنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام می‌دهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند می‌کنند. زن را ضایع می‌کنند. معنی آنچنان رسم و عرف و عادت لا‌تخلف شده که کسانی جرأت نمی‌کنند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد با لباس رسمی بیاید؛ پاپون بزند، قهاس بسته باشد، آستینش هم تا سر میچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد شلوارک بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسی رسمی، حتماً با سستی بخش‌های مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده‌ی کامل بیاید، محل اشکال است؛ اگر بدون جذباتها بیاید، محل اشکال است؛ اگر آراشکرده بیاید، محل اشکال است؛ این شده عرف. افتخار هم می‌کنند. در غرب، بخصوص در آمریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه‌ها و مجلات هم تبلیغ می‌شود، هیچ کس هم اعتراض نمی‌کند؛ این شده عرف، این شده عادت. چه ضربی‌هایی برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را می‌گویند، و کشورهای که دنباله‌رو آنها می‌ند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه‌هایی است که دارند می‌زنند. بنابراین نباید در

مقابل آن فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیق به سر می برد. فقط خانواده نیست بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجز بی است.

ما با آمدن در آن برسایها، از دارائیهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. دهها نظر ه و الگوی مترقی در همه زمینه زن و خانواده می شود استخراج کرد. اینها نظر پیردازی بشود، تئور زه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای متمدن و بلندمدتی است که حتماً با سستی انجام بگیرد. تعالی هم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث با ما مورد استفاده قرار بگیرد.

البته من یک چند تا اید داشت اینجا نوشتهم، اما هم وقت کم است، هم خیلی از حرفها هم بن جازده شد؛ بنابراین از این نیست که حالا بنده هم آنها را تکرار کنم. از مجموع این چند زبانی که من نوشتم، آنچه که ما میماند اینجا عرض کنم، این است که فوج جمله نگاه اسلام به زن - به حدیث جنس - یک نگاه فوقالعاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حدیث جمعی خانواده، به حدیثی که زن در آن محور است. ما خلایهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس میگیرند - از مجلس، از حوزه، از مراجعات گوناگون مردمی، از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط به ما میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکون داشته باشد، حقاً وقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت به زن اینها باشد، و اگر «و لهن مثل الذی علیهن» (2) در خانواده رعایت شود - این چند زبانی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات به رون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً برای آنها فائق میآید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصهی اجتماع هم خواهد توانست.

هم در مسئله خود زن، هم در مسئله خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجهی دو است؛ نگاه اول و درجهی یک، حدیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «ایها الذین آمنوا» است، «ایها الذین آمنوا» یعنی صغیراً، صغیراً، صغیراً مردانه است، نه صغیراً زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است آن عوامل هم برای ما روشن است. حالاً نمیخواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوئیم مردم؛ از مردم میگوئیم، نه میگوئیم زنم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانهی این نیست که غلبهی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چیز تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگر دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمایی به رونی است، زن نمایی داخلی است. بخواهیم یک خرده ذوقاً بگوئیم، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات می شود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او انبجوری است خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگر؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است به خاطر همه این خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خوب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبههای فوق تصور امثال ماهاست. در آیهی شریفی سورهی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم به خاطر همه این است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بگویند: «ان المسلمة بن و المسلمات و المؤمنة بن و المؤمنات و القانتة بن و القانتات و الصادقة بن و الصادقات و الصابرة بن و الصابرات و الخاشعة بن و الخاشعات و المتصدقة بن و المتصدقات و الصائمه بن و الصائمات و الحافظة بن و الذاکرة بن الله کثره را و الذاکرات». از اسلام تا ذکر، یک سلسله مدارک متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را بداند کند. «اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیماً». (3) همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدقه؛ با هم هیچ فرقی ندارند.

در سورهی مبارکهی آل عمران، بعد از آن «ربنا» ها میگویند: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض» (4). مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همه بناندهای جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا می کشد؛ که یک چیز بنحالی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن ذکر نمی کند؛ «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط». (5) نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرأت نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «کانتا تحت عبد بن من عبادنا صالح بن فخانتاهما» (6) تا آخر. «و ضرب الله مثلاً

لذ بن ءامنوا امرأت فرعون؛ خدای متعال انجا هم برای مؤمن بن دو تا زن را اسم مآ آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیا آمدند و رفتند. وقتی مخواهد برای اننها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی مکنند: یکی «امرأت فرعون» - اذ قالت رب این لی عندک بن تا فی الجنۃ و نجنی من فرعون و عمله (7) تا آخر - دوم «و مریم ابنت عمران الی احصنت فرجها فنحننا فیه من روحنا و صدقت بکلمات ربها». (8) اصلاً چه زعج بی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است در کارکردهای زندگی معنا پیدا مکنند، در سه راصلی بشره بیچ تأثری ندارد و معنایی پیدا نمکنند. حتی کارها شان با هم متفاوت است. «جهاد المرأه حسن التبعه»؛ (9) یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر انکار، به انکار، به انکار، به انکار مدهند؛ چون انکار هم زحمتش کمتر از انکار نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقهاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلند ترشان، خوب، زنی بتواند با انشرائط محیط خانه را گرم و گرم و آرامش و آرامش - سکین - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است ان واقعاً جهاد است ان شعبهای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند؛ جهاد با نفس است. حالا در مورد خانواده، حرف خیلی زیاد است. مسئله همسری، مسئله مادری، اننها همهاش با مد تفکک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ ان نقش همسری، فوقالعاده است ولو اصلاً مادر ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است اما بل نیست به زمان، ابه هر دو لی امکان زمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دستکم گرفت. ما اگر مخواهیم ان مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، با ان زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و آلا نمیشود.

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پروزه انقلاب، آزمایش کردیم مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پا دار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به ان دخترها و پسرهایی که آمدند خطبهای عقدشان را مخواندم - آن وقتهایی که مخواندم؛ حالا که توفیق ندارم - مگفتم خیلی از خانمها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت مکنند؛ خیلی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم مکنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم ممانهم بن نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم با سستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است که خوب، انجا مفصل بانات می بحث زیاد است.

از جمله مسائل که مطرح مشود، مسئله اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جملهی چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغال سیاسی و اجتماعی و فعالتهای خروخواهانه و از ان قبل باشد؛ اننها هم خوب است. زنها نصف جامعه اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از ان زنیم جامعه در زندهی انگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دوسه تا اصل را با بد ندیده نگرفت. یک اصل ان است که ان کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحتالشعاع قرار ندهد. ممشود هم. به نظرم مرسد مواردی داشتهیم که خانمهایی انطور عمل مکردند. البته یک قدری به آنها سخت مگذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانهداری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با ان اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به ان قضیهی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون انجا گزین ندارد. شما اگر بچهی خودتان را در خانه تربیت نکردید، اگر بچه نآوردید، اگر تارهای فوقالعاده ظرف عواطف او را - که از نخهای ابرشم ظرفیتر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقدهی [عاطفی] نشود، هیچ کس دگر نمیتواند ان کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دگر انکار فقط کار مادر است. انکارها، کار مادر است اما ان شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا استاد هاند و انکار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با ان کاری است که بدلیل ندارد؛ تعین با ان است.

آن وقت هم بنجا وظیفهای بر دوش دولت است. با بد به ان خانمهایی که حالا به هر دو لی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تماموقت انمهوقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله مادری برسند، به مسئله خانهداری برسند. با مرخصیها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی با سستی دولت کمک کند تا ان خانمی که حالا به هر دو لی آمده انجا شاغل شده، بتواند به ان قضیه هم برسد.

دوم بن مسئله، مسئله محرم و نامحرم است. مسئله محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمدهای از ان بن قضیه محرم و نامحرم باز بر مگردد به خانواده. یعنی چشم پاک و دل بآوسوسه و ریب برای هر یک از زوج بن

موجب می شود که محط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محط را گرم می کند. اگر آن طرف مقابل هم همین چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً بن دوجانبه خواهد شد و محط می شود محط کانون خانوادگی گرم و با محبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بی محبت و بی اعتقاد به همسری وجود داشت، ولو ظاهر ساز لهایی هم باشد، محط خانواده سرد می شود.

در مقالات دوستان خواندم که هم بن برون رفتنها و هم بن اشتغالات و اینها موجب می شود که گاهی سوءظنهای بجا به وجود بیاید. لیکن فرقی نمی کند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن، مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را می بخشد؛ مثل گلولههایی است که از این لوله برون می آید؛ اگر توی سینه کسی خورد، می کشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتبهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمی گذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلک کرد، عامد نبود، پس من سینه ای بن طرف مقابل را ندرم نه، گلوله می درد. این سوءظن کار خودش را می کند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصورات و توهمات بجا باشد.

یک نکته هم مسئله ازدواج است. ازدواج یک تقدسی دارد از نظر ادانی که حالا من می شناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آمادگی به کار در این زمینه نه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسجدها آن را توی کلاس انجام می دهند، هودها آن را در کنائشان انجام می دهند؛ مسلمانها هم اگر چه در مسجد انجام نمی دهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، والا در امام متبرک دینی و عمدتاً به وسایلی رجالی دین، این را انجام می دهند. رجالی دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین به آن می کند. بنابراین صبغه کاملاً صبغی دینی است. ازدواج یک جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به هم بن کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رائج شده. این مهریهایی سنگ بن به خیال آنکه می تواند پشتوانی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعین می شود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می کند، می بردنش زندان یک سال، دو سال زندان می ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی رسد؛ او بهرهای نمی برد، جز اینکه کانون خانوادهاش هم متلاشی می شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسن بن علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنه عقد نکردیم، به خاطر این است و آلا می توانستند. اگر امام حسن بن می خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می توانست لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقه - می داد به این کار بشود. آنها می توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است این خیالی خوب است.

اینهم بن تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می گدرد وقتی می شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان سازی می خواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانان، بخصوص صدا و سیمای رسانهها با این در این زمینه آنها کار کنند؛ این را از این حالت برون بیاورند.

یک کلمه هم درباره نقش مردان عرض کنم. در خانواده هی گفته می شود نقش زن. دلمش هم واضح است چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بی خیال، مردهای بی عاطفه، مردهای عاقل، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محط خانه لطمه می زنند. مرد با قدر دان باشد. جامعه با قدر دان باشد. حتماً با سستی بر روی کار زنهای خاندان ارزشگذاری و ژه بشود. بعضی می توانستند بروند کار بگیرند، بعضی می توانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من در این زمانی را از این قبل - گفتند ما می خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفته می کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زحمات نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. با این در اینجور زنی قدر دانی شود. در بانای که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً به مهیایی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تا بن اقتصادشان، به مهیشان، به هی چیزی زهائی که لازم است، با این در نظر گرفته شود.

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که در این حال اینهم داستان مفصلی است.

به هر حال از شما تشکر می کنم. من از این جلسه راضی هستم. الحمدلله جلسهی خوبی بود. انشاءالله خداوند هم از همهی ما راضی باشد و زحماتی که کشیدید، منظور نظر حضرت بقه الله (ارواحنا فداه) باشد و کار هم انشاءالله دنبال شود و دنبال می شود. یک طرح خوبی هم در زمینه سستی کار بنالمللی در خصوص زن مطرح شد، که حالا مجال نشد درباره آن صحبت کنیم. من آن طرح را دیدم و آن را تأیید می کنم. از نظرات خانمی هم که درباره مسائل

ب نالملی صحبت کردند، ه شود استفاده کرد. خوب است ک کار ب نالملی در زم نهی زنان انجام بگ رد.

خداوند متعال به همهی شماها خ ر بدهد. پروردگارا! رحمت و فضل و هدایت خودت را بر ا بن جمع نازل کن.
پروردگارا! آنچه گفته م و شنید م و انجام داد م و خواه م داد، برای خودت و در راه خودت و خالصاً و مخلصاً قرار
بده. پروردگارا! آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! توفیقات خودت را بر ا بن جمع و بر همهی ملت ا ران و بخصوص بر
مسئولانی که در ا بن زم نه مسئول تهایی ز ادی دارند، نازل بفرما.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- (1) توبه: 118
- (2) بقره: 228
- (3) احزاب: 35
- (4) آل عمران: 195
- (5) تحر م: 10
- (6) تحر م: 10
- (7) تحر م: 11
- (8) تحر م: 12
- (9) کافی، ج 5، ص 9